

در مسیر جهان پهلوان

میزان نقش آفرینی چهره های ورزشی در ایفای مسئولیت اجتماعی باید مروج این فرهنگ باشد
که الگو بودن نه یک وظیفه بلکه بخشی از وظایف ورزشکاران است

کالبدشکافی این پدیده نشان می دهد که به رغم برخی اقدامات حداقلی از سوی سیاست گذاران و مجریان طرح های فرهنگی، مقوله مسئولیت اجتماعی در ورزش هنوز به معنای واقعی آن در ساختار مدیریتی و فرهنگی ورزش کشور مطرح نشده است. از همین رو، ستارگان، ورزشکاران و مدیران باشگاه ها از درک صحیح این مأموریت بزرگ اجتماعی بازمانده اند. نتیجه آن، وضعیت کنونی است که در آن، مشارکت اجتماعی ورزشکاران در رویدادهای مختلف، حضوری کم رنگ و صرفاً نمایشی دارد. اگر امروز چهره هایی داریم که به نمادهای اصیل فعالیت اجتماعی در عرصه ورزش تبدیل شده اند، بی تردید علت آن انتخاب مسیر درست و پایبندی آنان به ارزش های انسانی و مردمی است؛ همان راهی که جهان پهلوان تختی سال ها پیش طی می کرد. آنان با کنش های صادقانه و بی منت، نشان دادند که همواره در کنار مردم اند و هرگز از مأموریت های اخلاقی و اجتماعی خویش غافل نمی مانند، تفکری که متأسفانه هنوز برای بسیاری از چهره های ورزشی، ناشناخته و مغفول مانده است.

سینا حسینی / گزاره «فرهنگ در ورزش» و نقش آفرینی ورزشکاران در ترویج فرهنگ اخلاقی و پهلوانی، همواره از مهم ترین مطالبات جامعه از اهالی ورزش بوده است. این در حالی است که تقریباً تمامی باشگاه های ورزشی کشور، پیشوند «فرهنگی» را در نام خود دارند، اما رویکرد فرهنگی آنان هرگز هم پای سایر فعالیت های شان رشد نکرده و به بلوغ کامل نرسیده است. از این رو، رفتارهای متعدد و اثرگذار برخی از ورزشکاران در حوزه مسئولیت اجتماعی، به صورت خاص مورد توجه افکار عمومی قرار می گیرد و رسانه ها نیز با بازتاب گسترده آن، می کوشند خلأ عمیق موجود در این عرصه را تا حدی جبران کنند. در این بین، نقش آفرینی مستمر چهره هایی همچون رسول خادم و علی دایی در زمینه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، موجب شده است رفتار آنان به الگویی شایسته برای ورزش ایران تبدیل شود. با این حال، گرچه به طور حتم ورزشکارانی در رشته



چهار سال برای جا انداختن دو کلمه: مسئولیت اجتماعی!



رئیس سابق کمیته مسئولیت اجتماعی فوتبال

روزی که حکم «رئیس کمیته بازی جوانمردانه و مسئولیت اجتماعی» را در فدراسیون فوتبال گرفتیم، حتی برخی از روزنامه نگاران ورزشی در توئیتر و اینستاگرام شوخی کردند و متلک پراندند که این پست «من درآوردم!» است! در حالی که حتی یک بار به خودشان زحمت نداده بودند اساسنامه فدراسیون فوتبال را ورق بزنند تا ببینند ماده ۵۰ دقیقاً در مورد این کمیته است. یعنی یکی از کمیته های رسمی و قانونی فدراسیون فوتبال که زیر نظر AFC وجود آن الزامی است. بخشی از ماجرا به سابقه ذهنی مخاطبان برمی گشت. اینکه آنها با «کمیته فرهنگی» در فدراسیون فوتبال آشنا بودند - که اتفاقاً عنوانی غیررسمی است- اما چیزی در مورد عنوان «مسئولیت اجتماعی / Social Responsibility نمی دانستند، چه رسد به شرح وظایف آن. چهار سال طول کشید تا در خود فدراسیون و وزارت ورزش و جوانان آن قدر این مفهوم را تکرار کردم و اهمیت و ضرورتش را برشمردم تا سرانجام اندکی (فقط اندکی) این اصطلاح جا بیفتد. اینکه در ورزش جهان، موضوع چند بعدی و وسیعی به نام مسئولیت اجتماعی داریم و «فرهنگ» یکی از بخش های آن است.

توجه به محیط زیست، بهداشت و سلامت، ایجاد فضای مناسب برای ورزش همه افراد با هر درجه از توانمندی جسمانی، مبارزه با معضلات اجتماعی هر کشور افقر، تضادفات رانندگی، بیماری های همه گیر، تغذیه ناسالم، بازی های خیره، حمایت از افراد آسیب دیده اجتماعی و... همه و همه بخش هایی از «مسئولیت اجتماعی» ورزش و ورزشکاران است. دقت کنیم که در تمام اسناد بین المللی، و ورزشکاران وظیفه «حل مشکلات» اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی را بر عهده ندارند، اما در راستای مسئولیت اجتماعی، خوب است نسبت به «ارتقای آگاهی» (Increase awareness) قدم بردارند.

برخلاف نقدها نسبت به اینکه در ورزش ما فعالیت های فرهنگی و اجتماعی به اندازه کافی انجام نمی شود، خوشحالم که حالا مفهوم «مسئولیت اجتماعی» به اسناد وزارت ورزش و جوانان اضافه شده است. هر اداره کل و باشگاه لازم است فردی با این عنوان را به کار گیرد و دیگر یک عنوان «من درآوردم» نیست که به کسی هدیه شده باشد. اگر افراد مناسب و آگاه در این حوزه نه مازاد سایر واحدهای دیگر فعال شوند این امیدواری به اثرگذاری واقعی هم بیشتر خواهد شد.

راه درازی در پیش داریم تا این مفهوم، از یک بعد قانونی و صرفاً انزام و اجبار نهادهای بین المللی در ساختارهای ورزش کشور، به یک بخش پویا و فعال تبدیل شود، بخشی که مدیران و رؤسای فدراسیون ها برایش جایگاهی سزوار ببینند و بودجه و اعتبار به آن اختصاص دهند و اقدام عملی بخواهند، نه صرفاً بنر و پلپودی برای عکس گرفتن و گزارش دادن به مقامات، که یعنی ما خیلی نگران «فرهنگ» هستیم!

کشتی گیری که بعد از قهرمانی هم مردم را فراموش نکرده

رحیمی: فرهنگ سازی با حرف و شعار اتفاق نمی افتد



مهری رنجبر / حسن رحیمی آزادگار ملی پوش ۵۵ و ۵۷ کیلو و نفر وزن میانگین ۲۰۶ ربو، قهرمان و نایب قهرمان جهان و قهرمان آسیا، یکی از آنهاپی است که مسئولیت اجتماعی را فراموش نکرده. او سال هاست بعد از کشتی، این بار دوشادوش رسول خادم به مردم کمک می کند.

چطور شد با رسول خادم در خیریه علی ابن ابیطالب همراه شدی؟

من سال ها شاگرد پهلوان رسول خادم بودم، مسابقه دادم و در واقع زندگی کردم. از نزدیک دیدهام که پهلوانی فقط مدال و تکنیک نیست. در تاریخ ورزش ایران سبایای اخلاقی بزرگانی مثل جهان پهلوان تختی را شنیدهام اما انسان های پهلوان رسول خادم را دیدهام. رسول خادم ادامه همان مکتب است؛ پهلوانی در سکوت، مردانگی در عمل، و کمک بی منت به مردم. خیریه خادمین علی ابن ابیطالب دقیقاً جایی است که می شود شخصیت واقعی او را دید؛ کار بی سروصدا، کمک به خانواده های نیازمند، احترام به عزت مردم، در این مسیر درس های بزرگی از ایشان گرفتیم. تواضع، مسئولیت اجتماعی، اخلاقی ورزشی و اینکه

محبوبیت باید خرج مردم شود. برای من باعث افتخار است که کنار چنین انسانی باشم. خیلی ها قهرمان دنیا می شوند، اما پهلوان بودن چیز دیگری است. رسول خادم برای من یادآور مکتب پهلوان تختی است؛ شجاعت، شرافت و خدمت به مردم. خوشحالم که می توانم در کنار او، هرچند کوچک، سهمی در کمک به مردم کشورم داشته باشم.

فعالیت های این گروه چقدر جنبه

فرهنگ سازی دارد؟

فرهنگ سازی با حرف و شعار اتفاق نمی افتد؛ با عمل اتفاق می افتد. وقتی مردم می بینند یک قهرمان یا ورزشکار وقت می گذارد، پای کار می آید و کنار خانواده های آسیب دیده می ایستد، این پیام از هزار سخن قوی تر است. بعد از این فعالیت ها خیلی از دوستان ورزشکار خودشان وارد کار خیر شدند. به نظر من این یعنی اثرگذاری واقعی؛ ما دنبال سروصدا نیستیم دنبال نتیجه و کمک واقعی هستیم.

آیا این فعالیت ها فقط تأثیر اجتماعی دارد یا در زندگی شخصی شما هم اثر گذاشته است؟

قسم می خورم قبل از اینکه به خانواده ها کمک شود، خود ما آرام می شویم. وقتی وارد خانه ای می شوی که امیدش را از

کارنامه موفق خارجی های شاغل در ایران

گروه ورزشی / نقش آفرینی مربیان و بازیکنان خارجی شاغل در ورزش ایران در زمینه مسئولیت اجتماعی را می توان الگویی الهام بخش برای ورزشکاران ایرانی دانست. این چهره ها در دوران حضور خود در ایران، با مشارکت در فعالیت های خیریه و اجتماعی، تصویری انسانی و تأثیرگذار از ورزش حرفه ای به نمایش گذاشتند. از جمله شاخص ترین نمونه ها، کارلوس کی روش، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران بود که بارها با حضور در مؤسسه های خیریه تهران، از کودکان دارای معلولیت دیدار و به آنان کمک می کرد. برانکو ایوانکوویچ، سرمربی موفق پرسپولیس نیز در جریان زلزله کرمانشاه و سیل شمال کشور، با جمع آوری

ضعف در مسئولیت اجتماعی و افزایش بی اخلاقی

مفهوم سازی مسئولیت اجتماعی در حوزه هایی مانند ورزش در حال قوام است. به همین دلیل بسیاری از سازمان ها و باشگاه های ورزشی طرح هایی ارائه کرده اند و فعالیت های ورزشی و قهرمانان کنش ها و اقداماتی همسو با این جنبش داشته اند. حس دگرخواهی و مسئولیت پذیری اجتماعی ورزشکاران برآمده از گفتن اخلاق در ورزش است. یعنی در گستره ورزش علاوه بر اخلاق حرفه ای با اخلاق اجتماعی نیز مواجه هستیم. ورزشکاران در سبک زندگی ورزشی خود علاوه بر انگیزه های ورزشی و تجاری، انگیزه های اخلاقی و انسانی را مهم می دانند و آن را جزو وظایف رفتاری خود قرار می دهند. به همین علت است که شاهد حضور برخی از ورزشکاران در برنامه ها و فعالیت های خیرخواهانه هستیم.

اینکه چرا گفتمان مسئولیت اجتماعی در ورزش کشور هم در ساخت سازمانی و هم در ساخت فردی کم رنگ و کم خاصیت است، دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل اصلی مورد اشاره، عدم فهم مدیران ارشد ورزش کشور از فلسفه و چیستی ورزش و کارکردهای جامعه ساز آن است. این فقر فکری و شناختی چالش آفرین است و موجب بی توجهی به کاروردهای

چون مسئولیت اجتماعی می شود. غیبت مؤلفه مسئولیت اجتماعی در ساختار سازمان های ورزشی با حضور نمایشی و کم اثر آن باعث می شود این موضوع در بین موضوعات فنی و نتایج مسابقات و حواشی ورزشی مغفول بماند.

از یک سو اشاعه پدیده نتیجه گرایی افراطی موجب می شود، ارزش ها و کنش های اخلاقی در محیط ورزش کم رنگ جلوه نمایند. وقتی همه چیز به مسائل فنی و برد و باخت خلاصه شود، همین نقطه آغاز کج فهمی و کج روی ها می شود. از سوی دیگر ضعف مدیریت در حوزه های آموزش و فرهنگ و ورزش کشور باعث شده میراث غنی پهلوانی در کشور رو به ضعف و فقر پیش برود و ورزشکاران نسل جدید با تمام ابعاد چنین سرمایه فرهنگی آشنا نشده و نتوانند از آن محافظت کنند.

شمار زندگی مسئولان، حضور افراد غیرمتخصص در جایگاه های فرهنگی ورزش و از بین رفتن قبح بی اخلاقی در ورزش در پیدایش شرایط کنونی نقش دارد. تضعیف نظام ارزش ها، روح ورزش را کدر و فقر اخلاق راه هم ایجاد می کند. چنین وضعیتی جلوه ای از توسعه نیافتگی ورزش کشور را نشان می دهد.

دغدغه مدال طلا بیشتر از خدمت به مردم است



رئیس کمیسیون فرهنگی المپیک ملی المپیک

در حالی که حضور ورزشکاران ایران در عرصه فرهنگ سازی و مسئولیت اجتماعی چندان پررنگ نیست، اما نمونه های درخشانی نیز وجود دارند که با جدیت در این مسیر گام برداشته اند. ورزشکارانی چون رسول خادم و علی دایی از جمله چهره هایی هستند که

دغدغه جامعه را داشته و در مسیر کمک به نیازمندان یا آزادی زندانیان گام های مؤثری برداشته اند. البته گل سرسید همه آنان، جهان پهلوان تختی است که همچنان الگویی بی بدیل از اخلاق، مردم داری و مسئولیت اجتماعی به شمار می آید. کم رنگی نقش اجتماعی بیشتر ورزشکاران را باید در ساختار معیوب ورزش کشور جست و جو کرد. در واقع ورزش ما به گونه ای طراحی نشده که ورزشکار را به وظایف خود در قبال جامعه آگاه و متعهد کند. نگاه روان شناختی و فرهنگی ما به ورزش، بیشتر معطوف به مدال طلا، سکوی قهرمانی و پیروزی است؛ نگاهی که تمام تمرکز نظام تربیت بدنی را به مدال طلا و سکوی اول محدود کرده و حتی ورزشکارانی که مدال نقره و برنز می گیرند هم مورد توجه نیستند. چنین نگرشی، جریان ناسالمی را در روح ورزشکاران پدید آورده و آنان را از مفهوم عمیق «خدمت به مردم» دور کرده است.

از سوی دیگر، مدیران و طراحان حوزه ورزش نیز مسئولیت اجتماعی را بیشتر در قالب شعار و بی عملی طرح کرده اند؛ به همین دلیل همراهی واقعی از سوی ورزشکاران شکل نگرفته است. در نتیجه، ظرفیت عظیم ورزش که می تواند همچون قریلی قدرتمند بارهای سنگین جامعه را بردارد، بلااستفاده مانده است. حتی چهره هایی مانند رسول خادم نیز با وجود تلاش های مؤثر، در پرداختن به مسئولیت اجتماعی جهت دار کار کرده که این خود ضعف ساختاری در نظام حکمرانی ورزش را نشان می دهد.

ورزش ایران زمانی می تواند جایگاه واقعی خود را بیابد که از فضای پانده بازی و جناح گرایی فاصله بگیرد و به عرصه نگرش عمیق، تحلیل و مدیریت جورانه نزدیک شود. انتخاب مدیرانی با دغدغه واقعی ورزشی، می تواند این مسیر را هموار کند البته شرط آن، سالم بودن فضا و دوری از ملاحظات سیاسی است. برعکس همه کاستی ها، ورزش ایران بالنده، رو به پیشرفت و افتخار آفرین است و در مقایسه با دیگر کشورها از کارنامه ای موفق برخوردار است، اما در مقایسه با ظرفیت های درونی خود، هنوز جای رشد فراوان دارد. همان گونه که در جنگ ۱۲ روزه ۷۷ ورزشکار شهید داشتیم، امروز نیز ورزشکارانی می توانند در مواجهه با بحران های انسانی و جهانی، مانند مسأله غزه، نقش آفرین و گره کشا باشند. احترام ما نثار همه ورزشکاران و مدیرانی است که صادقانه پای کار ایران ایستاده اند.

آزادی زندانیان جرائم غیرعمد

گروه ورزشی / با اینکه جامعه ورزش ایران حضور پررنگی در کارهای فرهنگی و ایفای مسئولیت اجتماعی ندارند، اما خیلی هم بی توجه نیستند و بعضی از ورزشکاران وظیفه خود را فراموش نمی کنند و با آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد لبخند را به روی لب های خانواده ها می نشانند. سال قبل قهرمانان ورزش از کشتی تا فوتبال و بدنسازی و پوررش اندام، والیبال نشسته و تکواندو برای آزادی زندانیان قدم برداشتند. هادی چوپان، مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش، سردار آزمون، کریم انصاری فرد، علی دایی، احسان حاج صفی و پیام نیازمند از معروف ترین اسامی ستاره هایی هستند که از طریق ستاد دبه زندانی آزاد کردند. البته پیام نیازمند گلر پرسپولیس، احسان حاج صفی بازیکن سپاهان و امیرنوری در آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد حرفه ای شده اند. یکی از فوتبالیست ها هم ترجیح می دهد بدون اینکه اسمش باشد زندانی آزاد کند. حسن یزدانی نائب قهرمان المپیک ۲۰۲۴ پاریس موتور ۴۰۰ میلیون توانمی که پادش مدال نقره المپیک بود را فروخت و زندانی آزاد کرد، هادی ساروی قهرمان کشتی فرنگی المپیک ۲۰۲۴ پاریس هم برای آزادی ۱۵ زندانی نوشهری کمک کرد. یونس امامی قهرمان کشتی جهان دوبنده دامن را فروخت تا زندانی آزاد کند. زهرا عارف نجابی ملی پوش والیبال نشسته زنان ایران، با حراج انگشتان ادای مقام معظم رهبری پدران زندانی را به خانواده های شان برگرداند.

